

دانشگاه و قیام

گزارشی از فعالیت دانشجویان دانشگاه یزد در جنبش اعتراضی ژینا

شهریور ۱۴۰۲

فهرست مطالب

کنش های دانشجویی در طول قیام؛

-تجمعات

-تحصن ها و اعتصابات

-هنر اعتراضی

-همخوانی ها

-بیانیه ها

-کنش اساتید

حراست و کمیته انضباطی در طول قیام و بعد از آن؛

-کمیته انضباطی

دانشگاه بعد از اعتراضات

کنش‌های دانشجویی در طول قیام

پس از قتل حکومتی مهسا امینی در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ و با آغاز جنبش زن زندگی آزادی، دانشجویان دانشگاه یزد با روش‌های مختلف این ظلم را محکوم کرده و در واکنش به آن، اعتراضات خود را به شیوه‌های مختلفی ابراز کردند.

در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در دانشگاه یزد در همراهی با اعتراضات خیابان و همزمان با دیگر دانشگاه‌های سراسر کشور، اولین تجمع اعتراضی شکل گرفت. به طور کلی تخمین زده می‌شود که از تاریخ ۱۴ مهرماه که اولین سری از دانشجویان دستگیر شدند تا پایان اعتراضات، حدود ۳۰ دانشجوی دانشگاه یزد دستگیر شده باشند (این آمار تنها مربوط به دانشجویانی است که به دلیل فعالیت‌هایشان در دانشگاه دستگیر شدند و دانشجویان دستگیر شده در اعتراضات خیابانی در نظر گرفته نشده‌اند).

آمار معترضین در پرجمعیت‌ترین روز خود با وجود سرکوب‌های بسیار به بیش از هزار نفر رسید که بیش از نیمی از آنان را دانشجویان دختر تشکیل می‌دادند.

همچنین تخمین زده می‌شود که در طی جنبش بیش از ۳۰۰ دانشجو تعلیق شده باشند که بیشترین آمار تعلیق مربوط به شب اعتراض خوابگاه پسران در ۲۵ آبان و روز مختلط کردن سلف در ۳ آبان می‌باشد. احکام قطعی صادر شده در کمیته انضباطی، از یک ترم تا چهار ترم تعلیق را شامل می‌شوند.

تجمعات

به طور کلی اعتراضات در روز اول به صورت خودجوش از میان دانشجویان رشته‌های مختلف آغاز شد. در این بین دانشکده‌های شیمی، علوم پایه، فنی، علوم انسانی و هنر با بیشترین جمعیت خود در اعتراضات حضور داشتند.

به جز دانشکده‌های هنر و معماری و علوم پزشکی که در مجموعه‌های جدا قرار دارند، سایر دانشکده‌های دانشگاه یزد، در یک مجموعه هستند و اعتراضات را همراه باهم شروع می‌کردند. همچنین جدا از اعتراضات صورت گرفته در دانشکده‌های هنر و معماری، مکان اصلی اعتراضات این دانشکده‌ها هم، همان مکان موسوم به اقیانوس در دانشگاه یزد می‌باشد.

در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در نخستین روز از آغاز جنبش در دانشگاه یزد، دانشجویان با در دست داشتن برگه‌های شعار در مکانی موسوم به «اقیانوس» که نقطه‌ای مرکزی میان تمام دانشکده‌ها بود، تجمع را آغاز کرده و شعارهایی از قبیل «زن زندگی آزادی»، «گشت ارشاد را متوقف کنید»، «بیکاری بیگاری، حجاب زن اجباری» را سردادند. بعد از دقایقی با تجمع حداکثری، دانشجویان شعارها را یکی پس از دیگری تکرار کردند و به سمت صحن دانشجو (مکانی مهم که سخنرانی‌ها در آنجا انجام می‌شود) راهپیمایی کردند. این تجمع با سردادن شعار زن زندگی آزادی که محوریت جنبش ژینا بود و سپس خواندن همگانی سرود «از خون جوانان وطن» ادامه یافت.

پس از اتمام روز اول در بیست نهم شهریور، حراست به همراه فردی که خود را نماینده اطلاعات معرفی می‌کرد، چند تن از دانشجویان را احضار کرد و از آنها تعهدی مبنی بر عدم تکرار فعالیت اعتراضی گرفت. دانشگاه یزد و به صورت کلی استان یزد، همواره از خود تصویری آرام و همسو با حکومت بازنمایی کرده است که با شروع اعتراضات، این تصویر به کلی مغشوش شده بود. دانشگاه یزد که تا به حال چنین اعتراض دانشجویی‌ای را به خود ندیده بود و توانایی مدیریت آن را نداشت، در حالیکه تنها چند روز از آغاز سال تحصیلی جدید گذشته بود، به بهانه‌ی «تعمیرات خوابگاه» دانشگاه را به مدت ۱۰ روز تعطیل کرد، تا به ظن خود تب و تاب این جنبش تمام شود و در این مدت راه‌حلی برای کنترل جمعیت معترضین بیابد.

۹ ام مهر ماه دانشگاه از سر گرفته شد. اینبار جمعیت معترضین چند برابر اولین تجمع بود و تمام دانشکده‌ها به اعتراضات پیوسته بودند؛ در این روز نیروهای حراست آشکارا با دوربین از دانشجویان فیلم‌برداری می‌کردند. همچنین عکس‌برداری و فیلم‌برداری توسط هلی‌شات در تمام طول اعتراضات وجود داشت تا از آنها برای شناسایی دانشجویان معترض استفاده شود. همچنین از این تصاویر به منظور ترساندن دانشجویان مبنی بر استفاده از آنها در جلسات کمیته انضباطی و قرار دادن این مدارک در اختیار نیروهای امنیتی نیز استفاده می‌شد.

یکی از غیر اخلاقی‌ترین روش‌های دانشگاه برای سرکوب معترضین در دوازدهم مهرماه، راه اندازی تجمعات کم جمعیت اما با امکانات عدیده، مقابل تجمعات دانشجویان معترض بود. دانشگاه با دستاویز قرار دادن اعتقادات دینی، در طی اعتراضات در همان نقطه‌ای که تجمع شروع می‌شد، اقدام به برگزاری نماز جماعت می‌کرد. این تقابل با شعارهای توهین‌آمیز بسیجیان پشت بلندگو، بنرها و پلاکاردها و امکاناتی که دانشگاه برای آنها فراهم کرده بود همراه می‌شد. همچنین دانشگاه با آوردن دوربین‌های صدا و سیما، سعی کرد تا با تحریف واقعیت، دانشگاه را آرام و جمعیت بسیجیان را پرشمار جلوه دهد. از سوی دیگر بسیجیان و لباس شخصی‌ها، با به راه انداختن زد و خورد و فحاشی، اعتراضات دانشجویان را به خشونت می‌کشاندند. در آن روز تعدادی از دانشجویان معترض توسط بسیجیان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند اما با آگاهی از اینکه اینها بخشی از پروژه از پیش تعیین شده آنان برای

ورود نیروهای امنیتی به درون دانشگاه است، جمعیت هنگفت معترضین نقطه‌ی آغاز و مسیر تجمع را به گونه‌ای تغییر دادند که با بسیجیان تلاقی نداشته باشند.

رئیس دانشگاه در مصاحبه‌های خبری، دانشجویان معترض دانشگاه یزد را مغتشش، معاند و وابسته به گروهک‌های مختلف خطاب کرد که همین امر سبب خشم بیشتر دانشجویانی شد که تنها حقوق انسانی خود را مطالبه می‌کردند. دانشگاه با برگزاری جشن‌ها و دوره‌های و جلسات مختلف همزمان با اعتراضات، در نظر داشت تا در میان دانشگاهیان دو قطبی ایجاد کند. اما در نهایت شمار اندک شرکت‌کنندگان، این پروژه را هم ناکام گذاشت. همچنین مسئولین دانشگاه از جمله معاون فرهنگی بارها در میان جمع دانشجویان تهدید کردند که «نیروهای امنیتی را وارد دانشگاه خواهیم کرد و خودمان به سمت معترضین شلیک خواهیم کرد».

در روز سه شنبه دوازدهم مهرماه، نیروهای امنیتی سرتاسر دانشگاه یزد و علوم پزشکی یزد را فرا گرفتند. از طرفی مامورین لباس شخصی بیش از هر زمان دیگری به جمعیت معترضین رخنه کرده و سعی در سرکوب آنان داشتند. این افراد تعدادی از دانشجویان را به بهانه‌ی چک کردن کارت دانشجویی به حراست بردند، در اتاق حبس کردند و مانع پیوستن مجدد آنها به جمعیت معترضین شدند. دانشگاه سعی داشت تا اعتراضات را به بیرون از درها هدایت کند تا مدیریت سرکوب دانشجویان معترض به نیروهای امنیتی محول شود. همچنین انگیزه دیگر دانشگاه برای این موضوع، بار رسانه‌ای بازداشت و دستگیری دانشجویان درون دانشگاه بود و ترجیح میداد دانشجویان خارج از دانشگاه دستگیر و مجروح شوند، اما دانشگاه یزد بدنام و سوژه خبری نشود.

همچنین دانشگاه با فرستادن پیامک‌هایی برای همه دانشجویان از خود سلب مسئولیت کرد و از دانشجویان معترض اعلام برائت جست؛

هشدار!!! دانشجوی گرامی، حضور شما در تجمعات غیر قانونی مصداق اقدام علیه امنیت ملی است و در صورت برخورد قانونی، دانشگاه از شما حمایت نخواهد کرد.

(دبیرخانه کمیته انضباطی)

دانشگاه در پیامی دیگر اعتراضات دانشگاه یزد را هدایت شده از سوی نفوذی‌ها خواند و شرکت مجدد در اعتراضات را مصداق اقدام علیه امنیت ملی دانست و در نهایت با تشکیل پرونده‌ی انضباطی، اخراج از دانشگاه و معرفی به دستگاه قضایی، دانشجویان را تهدید کرد.

سوم آبان یکی از نقاط عطف جنبش در دانشگاه یزد بود. در این روز جمعیت دانشجویان معترض به سمت سلف مرکزی حرکت کردند. نیروهای حراست با کمک بسیجیان درهای سلف را قفل کرده و با هل دادن درهای آهنی

به سمت دانشجویان، قصد داشتند تا مانع از مختلط شدن سلف شوند. اما سرانجام دانشجویان برای بار اول فارغ از جنسیتشان در کنار هم غذا گرفتند. بازبینی دوربین‌های سلف و عکس‌برداری نیروهای حراست باعث شد تا فردای آن روز، بیش از صد نفر از دانشجویان به خصوص دانشجویان دختر که با پوشش اختیاری اقدام به مختلط شدن سلف کرده بودند، تعلیق شوند و خدمات آموزشی و رفاهی از آنان سلب شود.

همزمان با اعتراضات دانشگاه، در خوابگاه‌ها هم اعتراضات ادامه داشتند. یکی از روزهای سیاه دانشگاه یزد در تاریخ ۲۵ آبان رقم خورد. زمانی که دانشجویان خوابگاه پسرانه اعتراض شبانه‌ی خود را با سردادن شعارهایی آغاز کردند. این اعتراضات با دخالت نیروهای امنیتی پشت دیوارهای خوابگاه روبه‌رو شد به طوری که سرتاسر دیوارها در یک سو دانشجویان و در سمت دیگر سرکوبگران قرار داشتند و پشت دیوارها، سرکوبگران با برخی دانشجویان درگیر شدند. فردای آن روز بیش از ۱۰۰ نفر تعلیق شدند. همچنین از فردای آن شب به مدت یک هفته خیابان منتظر فرج (یکی از خیابان‌های اصلی جنب خوابگاه پسران) کاملاً مسدود شد و عبور و مرور در خیابان گلستان (خیابان درب اصلی خروجی خوابگاه پسران) توسط پلیس و نیروهای امنیتی رصد می‌شد.

بعد از این واقعه تلخ، پای نیروهای لباس شخصی به خوابگاه‌ها نیز باز شد. این افراد درون خوابگاه اسکان یافتند و از آن پس هر شب در محوطه‌ی داخل و بیرون خوابگاه گشت شبانه داشته و به شناسایی و سرکوب دانشجویان می‌پرداختند.

در اوج اعتراضات، دانشگاه در راستای کنترل دانشجویان ساعت ورود و خروج به خوابگاه را تغییر داد و دانشجویان پسر که پیش از این محدودیتی برای بازگشت به خوابگاه نداشتند، آخرین ساعت مجاز برای ورودشان به ۶ عصر تغییر پیدا کرد و اگر کسی بعد از این ساعت وارد خوابگاه می‌شد، توسط حراست مورد بازخواست و بازجویی قرار می‌گرفت. البته این محدودیت پس از مدتی با اعتراض گسترده دانشجویان روبه‌رو شد و رفع گردید، اما همچنان دانشجویان زیر ذره بین دانشگاه باقی ماندند.

تحصن‌ها و اعتصابات

تحصن‌ها و اعتصابات همزمان با اعتراضات دانشجویی و به موازات آن شکل گرفت به طوری که در مهر ماه بیش از سه هفته دانشگاه در اعتصاب کامل بود و علیرغم فشار دانشگاه بر اساتید برای تشکیل کلاس‌ها، هیچ کلاسی تشکیل نشد. همچنین در اعتراض به دستگیری‌های مکرر و تعلیق‌های چند صد نفره و ممنوع‌الورودی‌ها،

دانشجویان تحصن کردند تا صدای خود را به گوش آنانی که از یاد برده بودند که دانشگاه برای دانشجویان، برسانند.

یکی از بزرگترین و طولانی‌ترین تحصن‌ها بعد از دستگیری یکی از دانشجویان رشته برق هنگام خروج از دانشگاه در تاریخ ۲۴ آبان شکل گرفت و هرروز به مدت دوهفته ادامه داشت. تحصن با در دست داشتن برگه‌های اعتراضی از دانشکده فنی مهندسی شروع می‌شد و به مرور تمام دانشکده‌ها به آن می‌پیوستند.

همچنین تحصن دانشجویان مهندسی در تاریخ یکشنبه ۱۰ مهرماه آغاز شد و تا پایان مهرماه ادامه داشت.

یکی دیگر از تحصن‌های گسترده در دانشگاه یزد مربوط به دانشجویان دانشکده شیمی در تاریخ شنبه نهم مهرماه می‌شود که این تحصن به همراه اعتصابات تا هفته‌ی اول آبان ادامه داشت. این تحصن در اعتراض به استادی که دانشجویان معترض را فاحشه خطاب کرده بود، شکل گرفت. علیرغم پیگیری و شکایات متعدد، این استاد نه تنها عذرخواهی نکرد و توبیخ نشد، بلکه بعد از این واقعه طبق حکم رییس دانشگاه به عضو هیات ممیزه دانشگاه و همچنین معاونت آموزشی پژوهشی دانشکده شیمی منصوب شد تا بیش از پیش به سرکوب دانشجویان و اساتید معترض در این دانشکده بپردازد.

هنر اعتراضی

دیوار نویس، همخوانی سرودهایی در سوگ و ستایش وطن، پخش اعلامیه، شعارنویسی بر دیوار خوابگاه‌ها و دانشکده‌ها، همچنین حوض خونینی که دانشجویان در تاریخ ۳۰ مهر در دانشکده هنر و معماری به یاد خون کشته شدگان راه آزادی به رنگ سرخ درآوردند، تنها بخشی از شیوه‌های اعتراض دانشجویان در طی جنبش مهسا امینی است.

همخوانی‌ها

همخوانی سرودهای انقلابی، بخش جداناپذیر اعتراضات و تحصن‌های دانشجویی بود، دانشجویان سرودهای «برای»، «یاردبستانی»، «از خون جوانان وطن» و... را در پایان هر روز اعتراضی میخواندند تا خاطر جمع شوند برای کدام هدف پا به میدان نهاده‌اند.

بیانیه‌ها

بیانیه‌ها در دانشگاه یزد در پیچ‌های شخصی و عمومی دانشجویان، در گروه‌های اصلی دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها و یا به صورت کاغذ‌های چاپ شده در دست دانشجویان پخش می‌شدند. بیانیه‌ها اغلب با محوریت حق خواهی، آزادی دانشجویان و لغو ممنوع‌الورودی‌ها و تعلیقی‌ها بودند.

کنش اساتید

اساتید از ابتدای جنبش بزرگ زن زندگی آزادی زیر ذره بین دانشگاه و نهاد‌های امنیتی بودند یکی از اساتیدی که به دلیل کنش‌های اجتماعی خود مورد بازخواست و برخورد شدید قرار گرفتند، به نحوی که یکی از اساتید کنشگر دانشکده‌ی داروسازی یزد، علاوه بر تهدید خانواده و فرزند ایشان و تحمل فشار روانی، به شکلی بی سابقه کلاسها و تدریس ایشان محدود شد و تا حد زیادی از دانشگاه کنار گذاشته شدند.

نهاد نظارت بر اساتید تئوریسین سرکوب اساتید در دانشگاه یزد بود و اساتیدی که گمان برده میشد ممکن است به لحاظ فکری با جنبش زن زندگی آزادی همراهی کنند، با کمک حراست احضار می‌شدند و با تهدید و به خطر انداختن موقعیتشان در دانشگاه، آنان را از هرگونه همراهی با دانشجویان منع می‌کردند.

حراست و کمیته انضباطی در طول قیام و بعد از آن

حراست بزرگترین نقش را در شناسایی و سرکوب دانشجویان داشت و آشکارا این کار را انجام میداد، حراست با استفاده از هلی شات، نیروهای دوربین به دست و همچنین گرفتن کارت دانشجویی دست به شناسایی زده و این اطلاعات را در اختیار کمیته انضباطی و نهادهای امنیتی قرار می‌داد، به طوری که در جلسات کمیته از همین عکس و فیلم‌ها استفاده می‌شد.

همچنین حراست برخی معترضین را تا زمان تحویل دادن به نیروهای امنیتی در اتاقکی محبوس کرده و گاهی با ضرب و شتم در خارج از درهای دانشگاه تحویل نیروهای لباس شخصی می‌داد.

حراست در دانشگاه یزد سعی داشت از ابتدای جنبش خود را همراه و همدل با دانشجویان نشان دهد در حالی که یکی از اصلی‌ترین برنامه‌ریزان سرکوب دانشجویان در دانشگاه و خارج از آن بوده است.

کمیته انضباطی

کمیته انضباطی در دانشگاه یزد به کمک نهادهای سرکوب‌گر آمده و در طول اعتراضات و پس از آن، از هر روشی برای تضييع حقوق و سرکوب دانشجویان معترض استفاده کردند. کمیته انضباطی و اعضای آن در دوره ی اول، روند قانونی‌تر و منصفانه‌تری را طی کردند اما بعد از مدتی، اعضای کمیته انضباطی به درخواست نهادهای امنیت تغییر کردند و جای خود را به بازجویانی دادند که جدا از صادر کردن احکام انضباطی سنگین، جلسات کمیته انضباطی را تبدیل به مکان تادیب و تحقیر دانشجویان معترض کرده‌اند.

گزارش‌هایی از آزار کلامی دانشجویان دختر توسط دو تن از اعضای کمیته انضباطی که یکی از آنان معاون دانشجویی دانشگاه و دیگری نماینده نهاد رهبری بوده وجود دارد. کمیته انضباطی سلیقه‌ای و نظارت نشده عمل می‌کند به طوری که رییس دانشگاه که عضو کمیته بدوی نیست، در یکی از جلسات کمیته انضباطی وارد جلسه شده و دانشجو را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که حال دانشجو بد شده و آمبولانس جهت اقدامات درمانی وارد ساختمان مرکزی میشود. همچنین کمیته برای دانشجویانی که مدارک لازم جهت محکومیت آنان وجود نداشتند، با توسل به اساتید و شکایت شخصی آنان علیه دانشجویان پرونده‌سازی کرده و احکام تعلیقی صادر می‌کردند به گونه ایی که سه ترم از تعلیق های صورت گرفته از همین طریق اعمال شد.

همچنین گزارشاتی حاکی از این بودند که در برخی موارد، پیش از جلسات کمیته انضباطی، نیروهای امنیتی با رایحه پیشنهاد همکاری به چند تن از دانشجویان، وعده می‌دادند که از تشکیل کمیته انضباطی و محرومیت تحصیل آنان جلوگیری خواهند کرد. اتفاقی که آشکارا نشان از وابستگی و عدم استقلال دانشگاه و کمیته انضباطی دارد. در کمیته انضباطی از پیچ‌ها و صفحات شخصی دانشجویان، زندگی شخصی آنان و... جهت صدور احکام انضباطی استفاده غیر قانونی کرده و آن را ابزاری برای سرکوب قرار داده‌اند.

همچنین در دانشگاه یزد طی فرآیندهای کاملاً غیر قانونی و خلاف آیین‌نامه، ابتدا دانشجویان تعلیق می‌شدند و سپس برای آنان جلسه‌ی کمیته انضباطی تشکیل داده می‌شد. همین‌طور برای برخی از تعلیقی‌ها هرگز کمیته انضباطی تشکیل نشد.

یکی دیگر از اقدامات غیرقانونی دانشگاه که طی فرایند جلسه‌ی کمیته انضباطی اتفاق می‌افتاد، گرفتن تعهد اجباری و تهدیدهایی مبنی بر اطلاع نیافتن سایرین بودند. یکی از دانشجویان گزارش می‌کند که به او گفته شد اگر می‌خواهد همچنان حق تحصیل داشته باشد، باید تعهد دهد که از معاندین خط می‌گرفته و اعتراضات را رهبری کرده است.

همچنین حراست با نظارت رییس دانشگاه برای دادن مجوز موقت برگشت برخی دانشجویان به کلاس درس، آنها را وادار به نوشتن تعهدنامه‌هایی با عناوین محرمانه و قبول ارتباط با خارج از کشور و سپس ابراز پشیمانی کردند. جلسات کمیته انضباطی جدا از روند غیرقانونی، از فرآیندهای غیرانسانی و غیراخلاقی هم در قبال دانشجویان استفاده می‌کرد به نحوی که این جلسات بیشتر از اینکه شبیه به دادگاه باشند، به جلسات بازجویی شبیه بودند. دانشگاه یزد از ابتدا سعی داشت تا حتی‌الامکان از روش‌های کم‌هزینه‌تر و بی‌سر و صداتری برای سرکوب دانشجویان معترض استفاده کند. این فرایند تا حد زیادی بر عهده‌ی اساتیدی که بخشی از این سیستم سرکوب بودند، قرار داشت. برخی از این اقدامات را در ادامه بررسی می‌کنیم:

- در **درمانگاه دانشگاه یزد** با رد درخواست‌های حذف پزشکی، دانشجویان معترض را به سمت مشروطی و اخراج می‌برد.

- در بسیاری از موارد، دانشجویان با شکایت شخصی اساتید، به کمیته احضار می‌شدند. به عنوان مثال **معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه** با شکایت از یک دانشجو، موجب شد تا ایشان به یک ترم تعلیق محکوم شود. همچنین **استاد و مدیر حوزه ریاست** که در جمعیت دانشجویان به یک دانشجوی معترض توهین کرده و

افترا زده بود، بعد از اینکه دانشجو برای اعاده‌ی حیثیت سر کلاس حضور یافت و از خود دفاع کرده بود، از وی با اتهام اخلال در نظم کلاس شکایت کرده و این دانشجو به دو ترم تعلیق محکوم شد.

- **استاد و مدیر نظارت بر اساتید** یکی از بازوهای سرکوب اساتید بودند. ایشان با احضار اساتیدی که حدس زده می‌شد با جنبش زن زندگی آزادی هم عقیده باشند، آنان را تهدید می‌کردند تا از هرگونه همراهی با دانشجویان جلوگیری شود.

- **شورای بررسی موارد خاص دانشگاه یزد** که با نقض قوانین آموزشی و برخورد سلیقه‌ای با دانشجویان معترض در فرایندهای مختلف آموزشی، آنان را با مشکل روبه‌رو کرد تا بدون هزینه، دانشجویان با اخراج و یا تعلیق تحصیلی روبه‌رو شوند. همچنین درخواست‌های دانشجویان معترض در کمیسیون موارد خاص بدون هیچ دلیلی توسط این شورا رد می‌شدند.

- **معاونت فرهنگی دانشگاه** که یکی از اصلی‌ترین بازوان سرکوب در دانشگاه بود، با جلوگیری از فعالیت برخی نشریه‌ها و انجمن‌های علمی و محدود کردن آنها طبق جارجوب خود، اجازه‌ی هر گونه فعالیت اعتراضی در قالب متن‌های نوشتاری را گرفتند.

- **معاونت دانشجویی** که با آزار روانی و همچنین لغو اسکان دانشجویان خوابگاهی به خصوص دانشجویان دختر، مسدود کردن کارت دانشجویی و سیمکارت دانشجویان، ساده‌ترین حقوق یک دانشجو را زیر پا گذاشتند.

- تعلیق‌های یک ماهه و دو ماهه‌ی **رییس دانشگاه** با استفاده از اختیارات شخصی بدون تشکیل هیچگونه کمیته انضباطی به صورت فراگیر و بدون داشتن هیچ دلیل قانونی‌ای تنها برای دور کردن دانشجویان معترض از محیط دانشگاه.

- گزارش‌های دروغین و سفارش شده‌ی **مسئولین گیت‌های خوابگاه دختران** و بلافاصله تعلیق و لغو اسکان دانشجویان.

اینها تنها بخشی از سرکوب‌های نهان دانشگاه یزد بود که کمتر دیده و شنیده می‌شوند که نشان‌دهنده نقض آشکار حقوق دانشجویی در این دانشگاه هستند.

دانشگاه بعد از اعتراضات

بعد از ماه‌ها سرکوب دانشجویان، با کم‌رنگ شدن اعتراضات به شیوه‌های قبل، دانشگاه از فرصت استفاده کرده و میدان را برای جولان نیروهای خود آماده کردند. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

۱- افزایش چند برابری دوربین‌ها درست در نقاطی که اعتراضات صورت می‌گرفت.

۲- بازخواست اساتیدی که به درخواست دانشگاه برای تحت فشار قرار دادن دانشجویان معترض و کسانی که در پی اعتصابات در کلاس درس حاضر نشده بودند، عمل نکردند.

۳- صدور احکام سنگین انضباطی برای دانشجویان.

۴- جایگزین کردن روسا و معاونین برخی دانشکده‌ها با اساتید مورد تایید خود.

۵- تفکیک جنسیتی کلاس‌های دانشکده علوم؛ چیزی که در تمام سال‌های اخیر حتی در ابتدای انقلاب هم بی سابقه بود.

۶- سختگیری حداکثری نسبت به پوشش دختران دانشجو خصوصا خوابگاهی‌ها تا جایی که برای بیرون رفتن از خوابگاه هیچ پوششی جز مقنعه قابل قبول نبود و در صورت سرپیچی، بدون هیچ اختاری سریعاً فرایند تعلیق به جریان می‌افتاد.

۷- ممنوعیت تردد دانشجویان به صورت مختلط در سطح دانشگاه؛ سیاستی که با سرکار آمدن رییس جدید دانشگاه در دستور کار قرار گرفت، با شروع اعتراضات فراموش شد و پس از سرکوب دوباره به جریان افتاد.

۸- انحلال انجمن‌های علمی مربوط به رشته‌هایی که بیشترین معترض و اعتصاب کننده را داشتند و خواستار بازگشت دانشجویان تعلیق شده به کلاس‌ها بودند. این انحلال انجمن‌های علمی برای بعضی انجمن‌ها به بهانه بی‌داشتن بودجه و برای برخی دیگر با رد صلاحیت‌های بی‌قاعده، برنامه‌ریزی شده و مغرضانه‌ی کاندیدها صورت گرفت و در نهایت به علت به حد نصاب نرسیدن کاندیدهای مورد تایید دانشگاه، انجمن تشکیل نشد.

از جمله انجمن‌های علمی می‌توان به انجمن ریاضی، شیمی، آمار، مهندسی عمران، مهندسی شیمی، مهندسی پلیمر، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و... اشاره کرد.